

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه با استناد پژوهشخواه مبنی بر شنیدن گواهی گواهان توجه نکرده

ماده ۴۰۷ آیین دادرسی مدنی

نشده وارد بنظر میرسد زیرا وکیل مشارالیه در حین بازجویی از گواهان در دادگاه اظهار داشته گواهان دیگری داشته که بواسطه طول کشیدن بازجویی متفرق شدند و بعداً حاضر میکنم دادگاه بدون اینکه در این خصوص نفیایویا اثباتاً اظهار نظر کند رای خود را صادر کرده است بنا بر این حکم فرجام خواسته مخدوش و به موجب ماده ۵۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته میشود ۰۰»

کسی بخواسته يك اسب بردیگری در دادگاه بخش اقامه دعوی میکند - دادگاه پس از رسیدگی حکم بر محکومیت خوانده بتسلیم خواسته صادر میکند. بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه شهرستان پس از شنیدن گواهی گواهان حکم را استوار میکند - شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۱۴۸ بتاریخ ۱۹/۱/۲۰ چنین رای داده است :

«اعتراض فرجام خواه مبنی بر اینکه بگواهی گواهان دیگری استناد نموده و مورد توجه دادگاه واقع

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه شریک در کلاهبرداری را فاعل مستقل دانسته

ماده ۲۳۸ و ۲۷ قانون کیفر

خواهی محکوم شعبه ۵ دیوان کشور در حکم شماره ۱۳۲ بتاریخ ۱۹/۱/۲۴ چنین رای داده است :

« آنچه در نظر دادگاه محرز شده بر حسب صراحت دادنامه این است که صادر کننده چک تقلبی و کسانی که قالیچهها را برده و فرار کرده دو نفر دیگر بوده اند و با اینحال بر فرض دخالت متهم در خریداری آنها و علم او باینکه آن دو نفر مرتکب بردن قالیچه ها و فرار از مرز خواهند شد عمل او اگر معاونت در کلاهبرداری فرض نشود شرکت در آن بوده که بایستی بر طبق قسمت اخیر ماده ۲۷ و ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مجازات معین شود و چون این اندازه اشتباه مؤثر در تعیین مجازات بوده است حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۴۳۰ آیین دادرسی باتفاق آراء شکسته شده

کسی باتهام اینکه در دو نوبت چند قالیچه از مغازه کسی بعنوان خریداری برده و چک هائی بامضای کسانی داده است و معلوم میشود که این اشخاص فراری شده و چکها خالی از وجه بوده مورد تعقیب واقع و در دادگاه جنحه بر طبق ماده ۲۳۸ قانون کیفر و ماده ۲ الحاقی به پنج ماه حبس تادیبی محکوم میشود متهم پژوهش خواسته و دادگاه استان با استناد اینکه (بر دادگاه محرز است که متهم در دو نوبت بمغازه شاکی رفته و چند قالیچه بمغازه کسی دیگر برده و شخص اخیر بایک نفر دیگر قالیچهها را بخارج ایران حمل و از کشور فرار میکند) حکم را گسیخته و متهم طبق همان مواد به ۱۵ ماه حبس تادیبی بیشتری محکوم میگردد - بر اثر فرجام

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه فراهم نشدن اجرای قرار بازجوئی محلی از طرف و کیل منفرزل را دلیل امتناع او دانسته

علیهما فرجام خواسته‌اند و شعبه ۳ دیوان کشور در حکم شماره ۱۰۸۰ بتاريخ ۱۹/۱۱/۱۹ چنین رای داده است:

«اعتراض فرجام خواهان دایر باینکه فرجام خوانده فوت کرده بوده و وکیل او هم در موقع اجراء مفاد قرار سمت نمایندگی از ورثه نداشته تا اینکه فرجام خواهان ملزم به تهیه وسائل اجراء قرار بوده باشند وارد بنظر میرسد زیرا وکیل مزبور چنانچه محتویات پرونده حکایت دارد در آن تاریخ بواسطه فوت موکل و کالتی از طرف ورث آن مرحوم نداشته تا عدم تهیه وسایل اجراء قرار را تخلف و امتناع مشارالیه تصور نمود و بنا بر این رای دادگاه مخدوش و حکم فرجامخواسته بموجب ماده ۵۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته میشود»

دو نفر بعنوان اعتراض ثالث بر حکم وارد دعوی شده و دادگاه شهرستان ادعای آنها را فاقد دلیل شمرده و محکوم به بطلان دعوی میشوند. و کیل محکوم علیه‌ها پژوهش خواسته و دادگاه استان قرار رسیدگی بصحت برك مدرک بوسیله دادگاه دیگر صادر میکند. در این اثنا وکیل یکی از خواننده‌ها فوت موکل خود را ابداد گاه اعلام نموده و با اینحال برای اجرای قرار بازجوئی نماینده در محل تعیین کرده و از طرف دادگاه بوکیل خواهانها اخطار شده که وسایل اجرای قرار را فراهم کند و چون وکیل نامبرده وسایل را فراهم ننموده دادگاه (بواسطه عدم حضور وکیل پژوهش خواهان در موقع اجرای قرار و اجراء نشدن قرار ورود در خواست تجدید وقت برای اجرای قرار) حکم پژوهش را استوار میکند. محکوم

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

- ۱- در موردیکه دادگاه نسبت بمدت معالجه مجنی علیه رسیدگی کافی نکرده
- ۲- راجع باینکه دادگاه در مورد ماده ۱۷۵ مکرر با گذشت مدعی خصوصی حکم بمنع تعقیب صادر کرده مواد ۱۷۳ و ۱۷۵ مکرر و ۲۷۷ قانون کیفر

تحت معالجه بوده و سلب قدرت کار کردن از او شده بوده با تطبیق عمل متهمین بماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر همگانی حکم بمنع تعقیب آنها با استناد گذشت خواهان خصوصی صحیح نبوده است) نتیجه وارد است - زیرا اولاً دادگاه در باب تطبیق عمل ضرب از لحاظ تاثیر آن که معلوم شود معالجه مضروب از بیست روز تجاوز کرده یا نه ظاهراً رسیدگی کافی بعمل نیاورده و در ضمن حکم خود برای تشخیص عمل از اینجهت استدلالی نکرده ثانیاً بزه موضوع ماده ۱۷۵ مکرر بزه جداگانه محسوب میشود و احاله دادن کیفر بر حسب مورد بمواد ۱۷۲ و ۱۷۳ موجب اجرای احکام خاصه بزه‌های مزبور در مورد ماده استنادی (مکرر) نخواهد بود و چون از مواد مذکور در ماده ۲۷۷ قانون مذکور نیست عمل مشمول آن ماده بهر کیفیتی که باشد گذشت خواهان خصوصی نسبت بان موجب منع تعقیب مرتکب نمیشود «

چند نفر بانها ابراد ضرب بچند نفر مورد تعقیب واقع شده و دادگاه جنحه عمل را ثابت ندانسته و متهمین تبرئه میشوند. دادستان شهرستان پژوهش خواسته و دادگاه استان حکم را گسیخته و غیباً آنها را با استناد ماده ۱۷۵ مکرر و ۱۷۳ بحبس تادیبی محکوم میکند در رسیدگی حضوری با استناد اینکه عمل منطبق بر ماده ۱۷۵ مکرر و ناظر بقسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون کیفر است و شاکبها هم صرف نظر کرده‌اند حکم غیبی را گسیخته و حکم تبرئه آنها صادر میشود. دادسرای استان فرجام خواسته و شعبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۳۲۸۶ بتاريخ ۱۸/۱۲/۲۹ چنین رای داده است:

«اعتراض دادسرای استان بر حکم ثانوی دادگاه استان بدین خلاصه (گذشته از اینکه طبق گواهی رئیس بهداری محل یکی از مجنی علیه زائد از بیست روز

تصمیم دیوان کشور بر استواری

در مورد محکومیت راننده اتومبیل برای قتل غیر عمدی در اثر مخالفت با نظامات دولتی

ماده ۱۷۷ قانون کیفر

(اعتراض فرجامخواه دائر باینکه مخالفت او با نظامات منتهی بوقوع حادثه نشده یعنی تأثیری در وقوع حادثه نداشته و مانند آنست که شوfer رعایت نظامات نکند و یکی از مسافرین اتومبیل او خود کشی کند وارد نیست زیرا همین مقدار تسبیب کافی است که بتوان گفت اگر مسافر روی بار سوار نمی کرد وقتی اتومبیل برگشت مسافر تلف نمیشد و اما اگر علت دیگری برای تلف شدن مسافر پیدا شود از قبیل خود کشی و غیره در آنجا سببیت قطع شده و حادثه بالمره مستند بامر دیگری می شود و بامواردی که بی احتیاطی یا مخالفت نظامات منتهی بتلف شدن نفسی میشود تفاوت بسیاری دارد ۰۰۰)

کسی باتهام قتل غیر عمدی در اثر رعایت نکردن نظامات دولتی و سوار کردن ۵ نفر در اتومبیل باری و افتادن يك نفر آنها و تلف شدن مورد تعقیب واقع شده و دادگاه جنحه با رعایت تخفیف و طبق ماده ۱۷۷ قانون کیفر او را بحبس تادیبی محکوم میکند - دادستان شهرستان و محکوم علیه بزرگتر خواسته اند و دادگاه استان حکم را گسیخته و متهم به کیفر بیشتری محکوم میشود - محکوم علیه فرجام خواسته و شعبه ۵ دیوان کشور در حکم شماره ۵۴۴ بتاريخ ۱۹۲۵ چنین رای داده است :

رویه دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد تعدد بزه بدون تشخیص علل مخففه کیفر را از حد اکثر تنزل داده

ماده ۲ الحاقی

فرجام خواسته در قسمت کیفر مخالف قانون است زیرا مطابق ماده ۲ الحاقی باین دادرسی کیفری مقتضی بوده برای هر يك از دو بزه مورد حکم حد اکثر کیفر قانونی معین گردد و دادگاه بدون تشخیص وجود کیفیات مخففه کیفر هر يك از سه تن نامبرده را راجع بهر يك از دو بزه ثابت شد، از حد اکثر تنزل داده بنا بمراتب مزبور حکم فرجام خواسته بر اثر درخواست فرجامی تبیی دادستان کل بموجب ماده ۴۳ این دادرسی نامبرده بانفاق آراء شکسته میشود ۰۰۰»

سه نفر بـبـزه سرقت مسلح و قاچاق سلاح مورد تعقیب واقع شده در دیوان جنائی یکی از آنها برای دزدی مسلح بچهار سال و نیم حبس با اعمال شاقه و برای قاچاق اسلحه بیكسال و نیم حبس تادیبی و دوتای دیگر برای بزه اول سه سال و نیم حبس با اعمال شاقه و برای بزه دوم بیكسال حبس تادیبی محکوم میگرددند. محکومین فرجام خواسته و شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۶ مورخ ۱۹۱۵ چنین رای داده است: « نسبت بمتهمین که علاوه از سرقت مسلح از جهت قاچاق سلاح نیز بزهار تشخیص شده اند حکم